



ارائه اسوه‌های عینی؛ امتیاز شیعه در معرفی الگوی کمال انسانی

در نظریه روان‌تحلیلی‌گری به نگاهی پدیدارشناسانه به «فرامن» که نماینده درونی ارزش‌های اجتماعی است، بسنده می‌شود، اما امتیاز مذهب شیعه به این است که اسوه‌های کمال و تعالی انسانی را نه صرفاً به صورت نظری که کاملاً عینی و زنده ارائه می‌دهد و همگان را به حرکت در مسیر آنان فرا می‌خواند.

در نظریه روان‌تحلیلی‌گری به نگاهی پدیدارشناسانه به «فرامن» که نماینده درونی ارزش‌های اجتماعی است، بسنده می‌شود، اما امتیاز مذهب شیعه به این است که اسوه‌های کمال و تعالی انسانی را نه صرفاً به صورت نظری که کاملاً عینی و زنده ارائه می‌دهد و همگان را به حرکت در مسیر آنان فرا می‌خواند.

آدمی دائماً در تکاپوی تحقق و تمامیت یافتن خویش است و برای رسیدن به نقطه‌ای رضایت‌بخش تلاش می‌کند. رکود و ایستایی برایش ملال‌آور و ناخوشایند است و حرکت‌هایی که او را به تعالی نرساند و در مسیر تحققش نباشد به تدریج انگیزه‌های درونی او را بی‌رمق می‌سازد.

اسلام، کمال انسان را در رشد متعادل و متناسب تمام ابعاد وجودی او می‌داند و در این خصوص علیرغم سایر مکاتب و اندیشه‌ها صرفاً به نظریه‌پردازی اکتفا نکرده و الگوهای عینی و عملی را پیش رو می‌کشد؛ الگوهایی که در اوج فضایل انسانی قرار دارند و بشر را به حرکت در مسیر اوج و تعالی فرا می‌خوانند و خود نیز با برطرف ساختن موانع، زمینه دستیابی به کمالات را برای انسان فراهم می‌سازند.

به دنبال تبعیت و الگوپذیری از انسان کامل است که فرد خود مظهر قدرت، علم، کمال، وجود و عفو الهی می‌شود و از این حیث همه انسان‌ها در پیروی از حجت‌های الهی می‌توانند به مراتبی از کمال انسانی دست یابند

علامه طباطبایی (رحمة الله)، درباره کمال‌یافتگی بشر به دست آخرین ذخیره خدا حضرت مهدی (ارواحنا فداه) چنین می‌نویسد: «به حکم ضرورت (جبر)، آینده جهان روزی را دربر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا هم‌زیستی نماید و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند و البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای منجی جهان بشری، و به لسان روایات، «مهدی» خواهد بود. در ادیان و مذاهب گوناگون که در جهان حکومت می‌کنند مانند وثنیت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و اسلام از کسی که نجات‌دهنده بشریت است، سخن به میان آمده و عموماً ظهور او را نوید داده‌اند.> (1)

امام عصر؛ الگویی کامل برای کمال انسانی

مسئله در مورد انسان از آن جهت که انسان است باید نمونه و کاملی براساس به فعلیت رسیدن تمام استعدادها و ظهور و بروز کردن تمام خواص و آثار انسانی، فرض و آن را معرفی کرد. اگر انسان کاملی در میان دیگر انسان‌ها نباشد، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ آیا انسان‌ها بدون تأسی به انسانی شایسته و رشد یافته می‌توانند امور خود را سامان دهند؟

به دنبال تبعیت و الگوپذیری از انسان کامل است که فرد خود مظهر قدرت، علم، کمال، وجود و عفو الهی می‌شود و از این حیث همه انسان‌ها در پیروی از حجت‌های الهی می‌توانند به مراتبی از کمال انسانی دست یابند. در طول تاریخ، همواره انسان کامل به عنوان محور هستی و الگوی دیگران مورد توجه بوده است. به تعبیر مزلو «هر عصری به‌جز عصر ما، الگو و آرمان خاص خود را داشته است. فرهنگ ما (غرب) همه این الگوها، قدیسان، قهرمانان، رادمردان، جوانمردان و عارفان را وانهاده است. تقریباً همه آنچه که برایمان مانده است، انسان کاملاً سازگار و بی‌مشکل است.> (2)

«اولین و اساسی‌ترین مسئله بزرگ، ساختن «انسان شایسته» است. بایستی انسان‌های بهتری داشته باشیم وگرنه به طور کلی ممکن است همگی از صحنه زمین محو شویم، و حتی اگر چنین اتفاقی نیفتد، به طور قطع در مقام نوع بشر در فشار روحی و اضطراب خواهیم زیست.> (3)

مذهب شیعه برای ارتقاء سطح سلامت و عدالت در تمامی عرصه‌های وجود انسان، میزان و معیارهای تمام و کمال عدل و فضیلت را معرفی می‌کند

در جای جای نظریه روان‌تحلیلی‌گری از هدف "فرامن" (4) سخن به میان آمده است. از دید طرفداران این اندیشه کار "فرامن"، که

نماینده درونی ارزش‌های والدین و جامعه است، تلاش برای رسیدن به ایده‌آل است و از آنجا که «عالی شدن» هدف اوست، به دنبال مدل و الگو برای شکل دادن به خود می‌گردد و این مدل فقط والدین نیستند؛ هر مدل اخلاقی، مدل فرامن می‌شود و هر مدلی که اخلاقی باشد افراد می‌خواهند مثل آن شوند. (5)

اما در اینجا روان‌تحلیلگر در مقام تبیین و ارائه الگویی مناسب برای شکل‌گیری بخش اعظم از شخصیت فرامن بر نمی‌آید و نگاهی کاملاً پدیدارشناسانه به مسئله دارد. به بیان دیگر وی صرف‌نظر از مطلوبیت و یا نابسامان بودن الگوهای رفتاری، از اثربخش بودن مدل‌ها و الگوهای رفتاری در سازمان روانی فرد سخن می‌گوید. آنچه مسلم است این که در اندیشه روان‌تحلیل‌گری، اساساً چنین نگاه و رویکردی به انسان صورت نگرفته که نقطه کمال و تعالی برای او فرض شود و از آنجا که موضوع مطالعه در این مکتب، انسان ناهنجار، درگیر تعارضات و فرمانبر بخش ناهشیار شخصیت فرض شده است، نهایت تلاش درمانگر، مصروف رهایی فرد بیمار از تعارضات درونی و حرکت به سمت بخش هوشیار شخصیت خواهد بود. با این حال سخن گفتن از پذیرش الگوهای انسانی و اخلاقی، نکته ارزشمندی است که در این نظریه دیده می‌شود و اساس شخصیت به گونه‌ای ترسیم می‌شود که فرد در شکل دادن به رفتار و منش خود با اختیار، به سوی مدل و الگو می‌گردد و بدیهی است که در اندیشه‌ای کاملتر و برآمده از وحی چنین الگوی رفتاری‌ای به صورت دقیق و روشن ترسیم می‌شود.

امتیاز مذهب شیعه به این است که اسوه‌های کمال و تعالی انسانی را نه صرفاً به صورت نظری که کاملاً عینی و زنده ارائه می‌دهد و همگان را به حرکت در مسیر آنان فرا می‌خواند و برای ارتقاء سطح سلامت و عدالت در تمامی عرصه‌های وجود انسان، میزان و معیارهای تمام و کمال عدل و فضیلت را معرفی می‌کند؛ چنان که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: *أَنَا مِيزَانُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ كِفَتَاهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ خِيَوْتُهُ وَ فَاطِمَةُ عِلَاقَتُهُ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي عَمُودُهُ يُوزَنُ فِيهِ أَعْمَالُ الْمُحْسِنِينَ لَنَا وَ الْمُبْغِضِينَ لَنَا؛* من ترازوی علمم و علی (ع) هر دو کفه آن و حسن (ع) و حسین (ع) رشته‌ها و فاطمه (س) علاقه و دیگر امامان عمود آن؛ وزن می‌شود با این ترازو اعمال دوستان و دشمنان ما» (6)

در روایات متعددی اشاره به این معنا شده که حضرت مهدی (ع) سنت و نشانی از هر پیامبر را به همراه دارد؛ گویی آن حضرت عصاره و مظهر همه خوبی‌ها و خوبان عالم است. (7)

آنچه که این باور ارزشمند از کمال انسان معرفی می‌کند، مطابقت با ساختار وجودی و نیازهای فطری انسان است. ابعاد مختلف این اندیشه، بشر را به سوی نقاط تعالی و سعادت دعوت می‌کند؛ اهدافی کاملاً دست‌یافتنی و معقول که با نگاهی جامع، راهی بی‌بدیل را برای شکوفایی انسان ترسیم می‌کنند.

حجت‌الاسلام و المسلمین نوید جانباز

پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی

پی‌نوشت:

1. شیعه در اسلام صص 308-309

2. انگیزش و شخصیت، ص 22

3. همان، ص 41

4. (super ego)

5. ویلیام کرین/ترجمه خوی نژاد و رجایی، ص 344

6. بحارالأنوار ج 23 ص 139

